

# کاربرد زبان شعر از دیدگاه ویدا کریمی

مقدمه

اگر شعر را ناشی از تلاش و رفتار انسان بدانیم، مسلماً پرداختن به اجزاء و ترکیب آن جدا از طبیعت انسان و زندگی او نخواهد بود. وقتی که از «شعر کودک» یا «شعر کودکانه سخن می‌گوییم فرصتی است تا در واقع از ابتدایی‌ترین ریشه‌های این طبیعت و زندگی آغاز کنیم. اینک می‌خواهیم رفتارشناسی شعر کودک را در قالب بیان آن به حیطة روان‌شناسی کاربردی بکشانیم که طبعاً حوزه بحث گسترده خواهد شد.

رفتار انسان پیچیدگیهای خاص خود را داراست و تنوع نظریه‌ها چنان است که گاه در پایان یکی از آنها به نقطه مقابل نظریه دیگر می‌رسیم. در چنین موقعیتی آنان که دستیابی به اصولی جاودان را در نظر دارند، چه بسا که نومی‌شان همپای امید پیش می‌تازد.

تأثیر رشد و تکامل در بازده کلامی کودک و آثار تعاملی تفکر بر آن

بررسی پژوهشگران، سه دوره را در فرآیند یادگیری زبان مادری - به طور عمده - نشان داده است. اولین دوره که تا اوایل قرن بیستم ادامه داشته، در تسلط متفکرانی است که نظریه‌ای خاص را در پیدایش و رشد زبان در نظر نداشته‌اند و از آن صرفاً به عنوان امری شگفت‌انگیز یاد کرده‌اند. دوره دوم را عموماً «رفتار گریبان» راهبر بوده‌اند که با اصطلاحاتی مانند: انعکاس، شرطی، عادت، و علت و معلول، یادگیری زبان را ترمیم کرده‌اند و در دوره سوم که «نوام چامسکی»<sup>(۱)</sup> سردمدار آن است (سال‌های ۱۹۵۷ به بعد) دستور زایشی - گشتاری<sup>(۲)</sup> را در یادگیری زبان عمده می‌بینیم و مستعد بودن وضعیت بهره‌وری ژنتیکی انسان برای یادگیری زبان مطرح می‌شود.

پژوهش‌ها و مشاهدات متعدد «جیمز فلاد و پیتراچ. سالوس»<sup>(۳)</sup> جدولی از مراحل رشد کودک که در آنها مهارت‌های عمده زبانی مطرح می‌شوند، به دست می‌دهند:

سن نوع ظهور گفتار

سن	نوع ظهور گفتار
هنگام تولد	گریه کردن
۱-۲ ماهگی	غان و خون کردن علاوه بر مرحله قبل
۳-۶ ماهگی	تولید صداهای نامفهوم علاوه بر دو مرحله قبل
۹-۱۴ ماهگی	ظهور نخستین واژه‌های منفرد
۱۸-۲۴ ماهگی	ظهور نخستین جمله‌ها
۳-۴ سالگی	ظهور ساده‌ترین ساخت‌های نحوی
۴-۸ سالگی	تولید صحیح اغلب آوای گفتار
۹-۱۱ سالگی	تثبیت اغلب تمایزات معنوی

برای بررسی آنکه کودک با توجه به مراحل رشد زبان، در کدام مرحله می‌تواند شعر کودکانه را گوش کند، بخواند، بگوید، بفهمد، مؤلفه‌های متعددی را می‌باید در نظر داشت. مسلماً تا ظهور مهارت‌های زبانی مربوط به ظهور نخستین جمله‌ها صحبت از توانایی برقراری ارتباطات زبانی از نوع شعر برای کودک عملی نیست، زیرا تا قبل از رسیدن به این مرحله، میدان ادراکی کودک در حوزه ادراکات «حسی - حرکتی»<sup>(۴)</sup> است. «لالایی» مادر و پدر که گاه با حرکات آهنگین گهواره یا آغوش آنها توأم می‌شود، اولین تلنگرها را در ورود به شعرآگین شدن تفکر و زبان کودک خردسال فردا، می‌نوازند.

«پیاژه» چهار جریان اساسی را شاخص تحول عقلانی کودک در دو سال اول زندگی می‌داند: ساخته شدن مفاهیم «شیء»، «فضا»، «علیت» و «زمان». این مفاهیم جنبه عملی دارند، اما هنوز صورت تفکر نیافته‌اند. مکانیزم‌های «حسی - حرکتی» نیروی «تجسم»<sup>(۵)</sup> ندارند. تا دو سالگی رفتاری که نشان دهنده تجسم یک شیء در غیاب آن است، در کودک مشاهده نمی‌شود. در جریان سال دوم زندگی، رفتارهایی از کودک سر می‌زند که یادآوری و تجسم شیء یا رویدادی را در غیبت‌شان میسر می‌سازد. در این دوره، کودک نماینده‌هایی به کار می‌برد که جدا از نموده است و به عواملی مربوط می‌شود که در حال حاضر قابل ادراک نیستند.

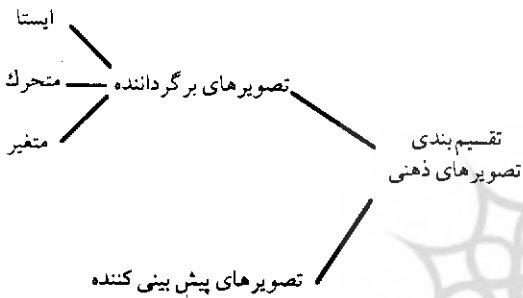
از شروع ۳ سالگی است که کودک در رشد گویایی خود به ساده‌ترین ساخت‌های نحوی دست می‌یابد و همچنین در پایان دوره حسی - حرکتی است که «کارکرد نشانه‌ای»<sup>(۶)</sup> در ادراک

بازده کلامی کودک در مراحل مختلف رشد

# روان شناسی کودک

کودک پدیدار می شود که همزمان با آن «تصویرسازی ذهنی»<sup>(۱)</sup> ممکن می شود.

«ژان پیاژه» و «باریل اینهلدر»<sup>(۲)</sup> تصویرهای ذهنی را به دو دسته بزرگ تقسیم کرده اند که می توان آن را در شکل زیر نشان داد:



مقصود از «تصویرهای ذهنی برگرداننده»<sup>(۳)</sup> آن است که تنها

مناظر آشنا و دیده شده به خاطر آید

و «تصویرهای پیش بینی

کننده»<sup>(۴)</sup> حرکات و تغییرات

و نتایج حاصل از آنها را از پیش

تصویر می کند؛

بی آنکه فرد قبلاً تحقق آنها را دیده باشد.

تصویرهای ذهنی کودکان

در دوره سنی ۲-۷ سالگی از نوع

ایستاست و کودک در تجسم حرکت

و تغییر شکل و نتایج



حاصل از آن با دشواریهای زیاد روبه رو می شود. فقط در دوره عملیات ملموس (یعنی پس از ۷-۸ سالگی) است که کودکان موفق به تجسم حرکت و تغییر شکل می شوند و می توانند آنها را از قبل پیش بینی کنند.

زمانی که کودک قادر به تصویرسازی ذهنی می شود می تواند به ابتدای ذهنیت هنری دست یابد. تصویرسازی خلاق در هیئتی موسیقایی که کلام را به خدمت می گیرد، ره یافتنی است به شعر ناب. از حدود سنی ۶ و ۷ سالگی گرایش به سرودن کلام موزون و نیز شعرگویی در کودکان دیده می شود هرچند که قبل از این دوره سنی نیز کودکان علاقه به کلام موزون و همچنین شعر را به اشکال مختلف نشان می دهند، اما هرچه توانایی خواندن و نوشتن افزایش می یابد، به ویژه در سنینی که کودک وارد مرحله رشد ذهنی انتزاعی می شود، توانایی تصویرسازی ذهنی با استفاده از «زبان مجازی»<sup>(۱۱)</sup> امکان پذیر می گردد.

«جیمز فلاو و پتر اچ. سالوس» عمومی ترین نوع «زبان مجازی» را شامل «صنایع بدیعی»<sup>(۱۲)</sup>، «استعاره»، «تشبیه» و «نماد» دانسته اند. «صنایع بدیعی» نمایش تجربه، شیء یا نظیر «مانند»، «چنان» و... «استعاره»، مقایسه دو شیء بدون استفاده از کلمات «مانند»، «چنان» و... توضیح آنکه استفاده از

شعر کودک باد جان دارد و می دود، گل حرف می زند، خورشید از آسمان به دریا می آید (نشانه های جاندار انگاری) و روباه بدجنس است، کلاغ خبرچینی می کند، لاک پشت دانا است، بزغاله طیب است، اسب نجیب است. (نشانه های انسان انگاری).

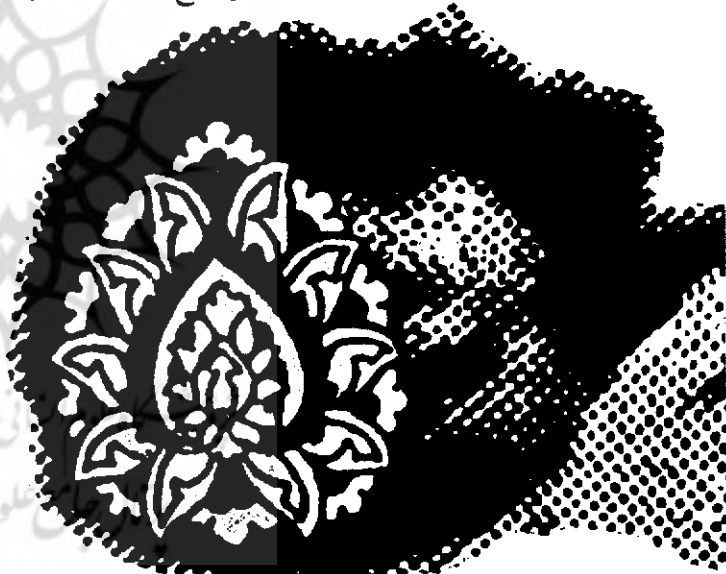
آنچه که لازم است در این بخش به آن اشاره کنیم استفاده ناصحیح تعدادی از دست اندرکاران هنر، شعر و ادبیات در کشور ماست که از این دو عنصر یعنی «جاندار انگاری» و «انسان انگاری» کلیشه سازی می کنند در حالی که از این عناصر موجود در ذهن کودک و انسان باید به شیوه های خلاق استفاده شود. نکته دیگر در شعر کودک تأکید بر «من» است. در دوران خردسالی «من» مرکز عالم است و کودک بسیاری از جملات خویش را با «من» آغاز می کند و تجربیات خویش را تجربیات دیگران محسوب می دارد. با رشد ذهنی، کودک از «خود» میان بینی<sup>(۱۳)</sup> مطلق پا فرامی نهد و «تمرکز زدایی»<sup>(۱۴)</sup> و قراردادن خویش در میان دیگران و اشیاء را آغاز می کند و ارتباطات کودک توسعه می یابد. شعر، ادبیات و هنر همان طور که قبلاً اشاره کرده ایم، محصول تلاش و رفتار انسان اند و از دیدگاه روان شناسی، انسان، «خود» را در آنها «فراکنی»<sup>(۱۵)</sup> می کند.

دیپلو. اچ. اودن می گوید: «شعر باید گویای چیزی با معنی درباره واقعه ای باشد که برای همه ما عادی است، ولی از دید منحصر به فردی دریافت شود.»

«جرج لیچ»<sup>(۱۶)</sup> از دیدگاه خلاقه به شعر می نگرد، او با توجه به عناصر متشکله هر ساخت دستوری که در یک الگوی ارتباطی «همنشینی»<sup>(۱۷)</sup> و «جاننشینی»<sup>(۱۸)</sup> و در حیطه «نحو»<sup>(۱۹)</sup> در «زبان شناسی» بررسی می شوند «شعر» را از لحاظ «ساخت دستوری» در محور «ناهمنشینی» مورد توجه قرار می دهد، مثلاً اگر در شعر «آسمان آبی» را استفاده کنیم در واقع از یک ترکیب عادی و غیر خلاق استفاده کرده ایم که در زبان روزمره و سطوح مختلف آن فراوان از این نوع ترکیب می بینیم، اما هنگامی که از ترکیب «عشق آبی» استفاده می کنیم در واقع از «محور ناهمنشین» سود جستیم. نظریه او «کاربرد استعاره» را خلاق ترین شکل استفاده در ترکیبات شعری می داند و در «محور ناهمنشین» می توان از آن بهره گرفت. چنین برداشتی از شعر، «پیش بینی ناپذیری»<sup>(۲۰)</sup> که عنصر خلاقیت در شعر را می پروراند. مورد نظر قرار می دهد. در ترکیب «عشق آبی» قبل از آنکه «آبی» را بگوییم، شنونده یا خواننده، کلمه آبی را پیش بینی نمی کند، اما در ترکیب «آسمان آبی» قبل از آنکه «آبی» را بگوییم، ترکیب قابل پیش بینی خواهد بود.

«گیلفورد»<sup>(۲۱)</sup>، «خلاقیت»<sup>(۲۲)</sup> را «تفکر واگرا»<sup>(۲۳)</sup> در «حل مسأله»<sup>(۲۴)</sup> تعریف کرده است. به نظر او «تفکر واگرا» تفکری است که در جهات مختلف سیر می کند. «تورنس»<sup>(۲۵)</sup> خلاقیت را به طور خلاصه و مرکب از چهار عامل اصلی می داند که عبارتند از:

۱. «سیالی»<sup>(۲۶)</sup> یعنی استعداد تولید ایده های فراوان؛



«استعاره» در شعر صورت می گیرد. «نماد»<sup>(۲۷)</sup> چیزی است (همچون شیء یا شخص معروف) که نماینده چیزی دیگر واقع می شود.

در زمینه شعر کودک نکته ای که می توان در باب محتوای روان شناختی آن مورد توجه قرار داد، «جاندار انگاری»<sup>(۲۸)</sup> و «انسان انگاری»<sup>(۲۹)</sup> است. «اسطوره ها» نشان های بی شماری از این دو دارند. انسان در طول تاریخ، «تصویرهای ذهنی» خویش را بر «اشیاء»، «حیوانات»، «طبیعت» و «خدایان» متطبق کرده، به آنها جان داده و خصوصیات خویش را به آنها نسبت داده است. این روند به اشکال مختلفی همچنان ادامه دارد. کودک نیز در شعر خویش از این دو عنصر فراوان سود می جوید. در

۲. «ابتکار»<sup>(۳۱)</sup> یعنی استعداد تولید ایده های بدیع، غیر عادی و تازه؛

۳. «انعطاف پذیری»<sup>(۳۲)</sup> یعنی استعداد تولید ایده ها با روشهای بسیار گوناگون؛

۴. «بسط»<sup>(۳۳)</sup> یعنی استعداد توجه به جزئیات.

پژوهش های متعدد در حیطه روان شناسی نشان داده اند که خلاقیت در بیشتر کودکان پیش دبستانی به فراوانی مشاهده می شود و در شش سالگی به اوج خود دست می یابد. در حدود ده سالگی نیز کاهش نشان می دهد.

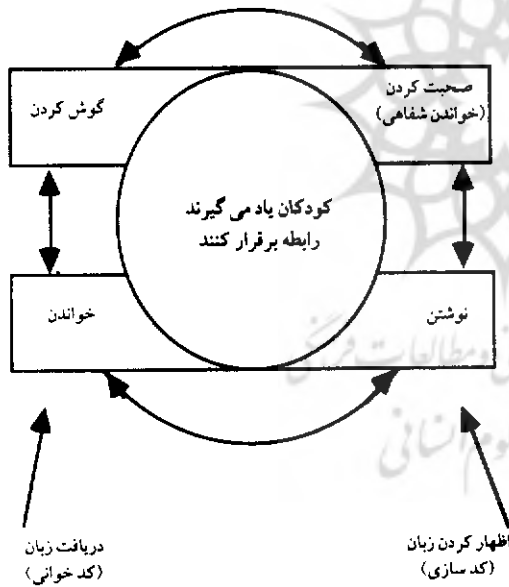
آنچه به نظر من در بحث های مربوط به شعر اخیراً مطرح می شود با عوامل موجود در خلاقیت از قول روان شناسان در دو دهه اخیر همخوانی دارد. آثار هنری و خصوصاً شعر که هنری ترین شکل بیان ادبی است در وضعیت جاری، ناب بودن و تمایز خویش را از سایر مواد مداخل کننده عناصر «خلاقیت» و «پیش بینی ناپذیری» می تواند نشان دهد. واقعیت آن است که تحولات کنونی در شعر امروز جهان بسیار معطوف به این دو عنصر است. اگر از دیدگاه «ارتباطات» به جهان هنر نگاه کنیم درمی یابیم که در دو سر نقاط پیام دهنده و پیام گیرنده بیش از هر چیز «خلاقیت» می تواند در برقراری ارتباط یاری کند. در غیر این صورت پیام گیرنده امروزی با توجه به کثرت و تنوع پیام ها، حتی تلاشی در جهت دریافت پیام و توجه ارادی به آن نخواهد داشت. کودک امروز جدای از این مجموعه نیست. ترکیبات «کلیشه ای»<sup>(۳۴)</sup> و پیش بینی پذیر در شعر کودک او را جلب نخواهد کرد، قوای خلاقه ذهن او را تقویت نخواهد کرد و او آن را همانند شیء بی مصرفی به دور خواهد افکند. در این میان اگر بزرگسالان شعر گو بخواهند او را گرفتار این گونه روابط کنند، چه بسا که خلاقیت های او را از بین ببرند و او را از «صف» علاقه مندان به «شعر ناب و خلاق» جهان امروز خارج کنند. چنین آموزش هایی از جانب شاعران بزرگسال، خردسال را از یادگیری، تعامل خلاق با شعر و عناصر آن باز می دارد. در آموزش هنر، شعر و ادبیات گرایشی خطا در آموزش رسمی کشور ما مبنی بر رشد مبالغه آمیز «مضمون سازی» وجود دارد که باعث ورود «کلیشه ها» در هنر، شعر و ادبیات کودکان و نوجوانان است. سایه بزرگسال در بسیاری موارد در هنر، شعر و ادبیات کودکان و نوجوانان کشور ما تبلور «مضمون سازی ها» و «کلیشه پردازها» است. استفاده از ترکیبات کلیشه ای ساییده شده آن گونه است که حتی ارزش اولیه تجربه کنندگان اصلی آنها را نیز خدشه دار ساخته است و سبب گشته تا کودک و نوجوان ما که عملاً در وضعیت کنونی ارتباطات در جهان امروز می زید، به تاریخ هنر، شعر و ادبیات کشور خویش بی علاقه شود. عدم استفاده از شکل های تازه رایج در ارائه هنر، شعر و ادبیات امروز جهان و ایران، کودک و نوجوان ما را در بی اطلاعی محض از وضعیت کنونی این سه مقوله فرو می برد. آنان در جهان امروز عملاً می زیند و با مسایل آن روبرویند، اما از سرفراکنی های انسان به شیوه هنری

بی اطلاعند. سهل ترین نمونه آوری در این مورد عدم حضور فعال شعر و ادبیات آزاد در کتاب های ادبیات فارسی آموزش رسمی کشور ما در مدارس است. کلیشه ها کودک ما را وامی دارد تا مثلاً در اخیرترین شماره های یکی از روزنامه ها چنین بنگارد:

«شمع امیدی تو  
در میان خانه  
دور تو می گردم  
مثل یک پروانه»

نحوه «کاربرد مهارت های زبانی» در شعر کودک از دیدگاه روان شناسی آموزشی

صحبت کردن، گوش دادن، خواندن و نوشتن عناصر مهارت های زبانی است که در امر آموزش شعر به کودک می توان مورد استفاده قرارداد. خواندن و نوشتن ابزارهای دیداری برای انتقال اطلاعات کلامی هستند و نسبت به صحبت کردن و گوش دادن که جنبه شنیداری دارند از مهارت های «ثانوی» به شمار می آیند. «لوندسین»<sup>(۳۵)</sup> رابطه این چهار عامل را در الگوی زیر نشان داده است:



بیکانها رابطه ها را نشان می دهند، ارتباط در مرکز رابطه متقابل قرار دارد. «جیمز فلاو و پتر ایچ. سالوس» برای پیشرفت برنامه گوش دادن یا صحبت کردن این موارد را پیشنهاد می دهند:

۱. گوش دادن به نوار؛

۲. املا گفتن؛

۳. پیروی از دستورالعمل ها؛



۴. تلفن کردن؟

۵. مصاحبه کردن؟

۶. گفتارهای رسمی یا غیررسمی؟

۷. نمایش روخوانی؟

۸. ایفای نقش؟

۹. قصه گوئی؟

۱۰. نمایش عروسکی؟

۱۱. نمایش خلاق؟

۱۲. بدیبه سرایی؟

۱۳. صحبت کردن به شیوه سرودهای دسته جمعی.

این پژوهشگران همچنین برای رسیدن به اهداف یک برنامه

نوشتاری موفق این پیشنهاد را مطرح کرده اند:

۱. ایجاد انگیزه هایی برای نوشتار از طریق شیوه هایی مانند

شرح احوال شخصی کودک، نوشتن نثر داستانسرایي و انشای

منثور غیر داستانی، تشویق کودک به داستان نویسی.

همچنین پیشنهادهایی که این

پژوهشگران جهت آموزش

«خواندن شعر» به منظور بالا بردن

درک و شناخت شعری

کودکان در نظر دارند در این موارد

خلاصه می شود:

۱. خواندن شعر با صدای بلند -

با ریتم کند برای درک وزن



شعر و شنیدن صدای کلمات؛

۲. چند بار خواندن شعر؛ بار اول برای آشنایی با معنی کلی و دفعات بعد آشنایی با جنبه های مختلف زبان به کار گرفته شده توسط شاعر؛

۳. توجه به معنی شعر؛

۴. هنگام خواندن شعر با صدای بلند باید به طبیعی خواندن آن تأکید و از استفاده بیش از حد از عواطف خودداری شود و در هنگام وجود مکث در شعر، به اندازه لازم مکث شود.

درخاتمه این مقاله، به سهم خود امیدوارم جهت پربار شدن شعر کودکان این سرزمین به کاربرد عملی نکات مطرح شده در آموزش رسمی و غیر رسمی کشورمان توجه شود.

پانویس ها:

24. Unpridictive پیش بینی ناپذیری
25. Guilford
26. Creativity خلاقیت
27. Divergent thinking
28. Problem Solving
29. Torrance
30. Fluency سیالی
31. Originality ابتکار
32. Flexibility انعطاف پذیری
33. Elaboration بسط
34. Stereotype کلیشه
35. Lundsteen

فهرست منابع اصلی:

زبان فارسی

۱. پیازه، ژان و اینهلدر، باریل، روان شناسی کودک، ترجمه دکتر زینت توفیق، تهران؛ نشر نی، ۱۳۷۱.
۲. پیازه، ژان، پنج گفتار روان شناسی، ترجمه نیکچه ره محسنی، تهران؛ انتشارات رشد، ۱۳۶۰.
۳. ف. یا. بودوویچ، لوریا، زبان و ذهن کودک، ترجمه بهروز عزب دفتری، تهران؛ انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
۴. بی یرویش، مانفرد، زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران؛ انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
۵. باطنی، محمدرضا. مسایل زبان شناسی نوین. تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
۶. آچسون، جین. روان شناسی زبان، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، تهران؛ انتشارات سپهر، ۱۳۶۴.
۷. عابدی، جمال، اخلاقیات و شیوه ای نو در اندازه گیری آن، تهران، مجله پژوهش های روان شناختی. شماره ۱ و ۲. دوره ۲.

Refrences:

1. Sprinthall, Norman. A. Sprinckthall, Richard c. oja Sharon, N. (1994). Educational Psychology, A developmental Approach. Sixth edition.
2. Hetherington, E. Mavis. parke, Ross.(1993) Child psychology, forth edition.

1. Noam Chomsky
2. Transformational - Generative
3. James Flood & Peter H. Salus
4. Sensorimotor
5. Visualization نیروی تجسم
6. Functional symbolic کارکرد نشانه ای
7. Mental images تصویرهای ذهنی
8. J. Piaget, B. Inhelder
9. Reproductive images تصاویر ذهنی برگردان
10. Anticipant images تصاویر ذهنی پیش بینی کننده
11. Metaphor زبان مجازی
12. Imagery صایع بدیمی
13. Similie تشبیه
14. Symbol نماد
15. Animism
16. Anthropomorphism
17. Egocenttrism
18. Decenttrism
19. Projection
20. George leech
21. syntagmatic ارتباط همنشینی
22. Paradigmatic ارتباط جانشینی
23. Syntax نحو